



مهم‌ترین دستاورد پهلوی

آثار مخرب برخی از خیانت‌های رژیم پهلوی با گذشت بیش از ۴۴ سال همچنان باقی است و با هیچ‌گونه اقدامی قابل جبران نیست. مهم‌ترین خیانت این پسر و پدر، بخشیدن از اراضی ایران به کشورهای همسایه بوده است

۲۲

سه‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ | ۱۶ رجب ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۹ | ۸۷۰

هلمشهری‌کی انقلاب



فساد خانوادگی

سوءاستفاده‌های اقتصادی ۶برادر محمدرضاپهلوی حیرت‌انگیز است؛ آنان با اتکا به موقعیت خانوادگی و توسل به قدرت بی‌مهار سلطنت در همه عرصه‌های سودآور حضور داشتند



گزارش فساد، رشوه‌خواری و رانت‌خواری دربار محمدرضا، به گواه اسناد و مدارک تاریخی، ابعاد وحشتناکی داشته است. جدای از خواهران، همسران و سایر افراد خانواده‌شاه و نیز جمع‌کنبری از نزدیکان و درباریان، برادران شاه مخلوع نیز واسطه عقد قراردادهای کلان شرکت‌های خارجی با دولت بودند و علاوه بر دریافت سهام این شرکت‌ها، رشوه‌های فراوانی نیز به‌عنوان حق‌العمل دریافت می‌کردند. با گسترش رویه رشوه‌خواری و دریافت کمیسیون در این حلقه سلطنتی، درباریان و سایر نزدیکان پهلوی نیز به این شیوه متماثل شدند و طولی

نکشید که هر یک از افرادی که از تباطونی که دربار داشتند، از این راه ثروت‌های هنگفتی به چنگ آوردند. به‌عنوان نمونه، یکی از برادران شاه، غلامرضا، به همراه خانواده‌اش سهامدار بسیاری از شرکت‌های اقتصادی کشور بود. عبدالرضا پهلوی، برادر دیگر محمدرضا، مالک زمین‌های وسیعی در مازندران، به‌خصوص ساری بود. او در این اراضی، گندم‌بذری می‌کاشت و به وزارت کشاورزی می‌فروخت و سود سرشاری عایدش می‌شد. برادر دیگر شاه، محمدرضا بود که عمده‌ز دوپندهایش در حوزه سرمایه‌گذاری و کسب سهام شرکت‌های مختلف، متمرکز بود. احمدرضا پهلوی نیز به واسطه

استفاده از موقعیت خاندان خود صاحب یا سهامدار مؤسسات اقتصادی متعدد بود. خوشگذرانی‌ها و عیش‌ونوش‌های مداوم و شبانه‌روزی در کنار اعتیاد و رفتار نامتعارف حمیدرضا، دیگر برادر شاه هم باعث شده بود که او از طرف خاندان سلطنت و دربار رانده شود؛ هر چند که او نیز به‌نوبه خود سر این سفره زیسته بود. در ادامه، اسناد و مدارک و نقل‌قول‌هایی برگرفته از این سرفره زیسته بود. در ادامه، اسناد و مدارک و نقل‌قول‌هایی برگرفته از خروار خروار فسادهای رنگ‌به‌رنگ نزدیک‌ترین اشخاص به هسته اصلی قدرت خود کامه سلطنتی.

ز دوپند ۱۲ میلیون دلاری عبدالرضا مانند سایر افراد خاندان پهلوی برای افزایش درآمدهای خود از انجام معاملات غیرقانونی و نیز دریافت رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای عقد قراردادهای خلاف مقررات، رویگردان نبود. از جمله موارد رشوه‌خواری عبدالرضا می‌توان به قرارداد احداث کارخانه کاغذسازی در شمال

ایران توسط یک شرکت کانادایی اشاره کرد. در این معامله، عبدالرضا با استفاده از نفوذ خود از وزیر دارایی می‌خواهد که مبلغ قرارداد ساخت کارخانه از ۸۰ میلیون دلار به ۱۰۰ میلیون دلار افزایش پیدا کند. در مقابل شرکت کانادایی علاوه بر مشارکت وی در معامله، مبلغ ۱۲ میلیون دلار به حساب او واریز می‌کند.

پهلوی‌ها (خاندان پهلوی به روایت اسناد) / جلال و مختار حیدری / جلد دوم / مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران / صص ۴۸۸-۴۸۷

۲هزار دلار پول توجیبی

احمدعلی مسعود انصاری، پسر دختر خاله فرح در خاطراتش می‌نویسد: احمدرضا، برادر شاه، از نداری شکایت می‌کرد و راست هم می‌گفت! تمام درخواستش این بود که برای گذران زندگی‌اش ماهی ۲هزار دلار به او کمک شود و کسی حاضر نشد این مبلغ را به او بدهد و آخر کار فرح قبول کرد که این مبلغ را در اختیار او بگذارد.

پس از سقوط / احمدعلی مسعود انصاری / صص ۱۷۹-۱۷۸

بالا کشیدن زمین‌های دولتی

والاحضرت شاهیور غلامرضا پهلوی، پس از خریداری کارخانه بانفدگی داماد، واقع در کرج (جاده قزوین)، چندصد هزار زمین‌های اطراف کارخانه را تصرف کرد. زمین‌ها که جزو خالصه و متعلق به دولت بوده و حتی قسمتی از اراضی اطراف کارخانه مزبور که خالصه بود - ادارات دولتی کرج در نظر داشته‌اند برای ساختمان مسکونی به کارمندان حوزه کرج واگذار کنند و پررسانه‌های مربوطه نیز توسط کارمندان تنظیم گردیده - بالاچار در تصرف والاحضرت قرار گرفته است.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی / اسند شماره ۹۳

کارخانه انحصاری

غلامرضا پهلوی کارخانه سیمان داشت و نمی‌خواست کسی دیگری اجازه تأسیس کارخانه سیمان بگیرد و در نتیجه مملکت دچار کمبود سیمان شد.

پس از سقوط / احمدعلی مسعود انصاری / ص ۱۲۶

تصرف اراضی ساحلی

در سندی دیگر ساواک گزارش می‌دهد: خبر واصله از ساواک استان گیلان حاکی بوده که ساعت ۴روز جمعه ۲۱ تیرماه جاری (۱۳۵۳ شمسی) سروان یاری - فرمانده گردان ژاندارمری رشت - با چند کامیون سرباز و ژاندارم مسلح به قریه لشت‌نشا هجوم برده و بانصب پایهای بتونی و سیم خاردار، مقداری از اراضی ساحلی قریه امین‌آباد را تصرف کرده و تعدادی از کشاورزان را که در برابر وی مقاومت نموده بودند به‌شدت مصوم کرده و اعلام داشته‌اند که این کار بنا به امر والاحضرت شاهیور غلامرضا پهلوی صورت گرفته است. ضمناً مأموران ژاندارمری به عسگری نام - فردی از اهالی تابش محله لشت‌نشا که حدود ۲۰هکتار از زمین‌های ساحلی را دارد - و همچنین به شخصی دیگری که او نیز دارای ۱۸هکتار زمین است، فشار آوردند که به نماینده والاحضرت واگذار نمایند.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی / اسناد شماره ۲۰۳ و ۲۰۴

فرار به آمریکا

عبدالرضا که به قول معروف روشنفکر خانواده پهلوی به‌حساب می‌آمد از همان زمانی که ایران را ترک گفت، گموگو و ناپدید شد. برادر دیگرشان محمدرضا نیز که اهل تریاک بود و به قول شاهزاده رضا پهلوی در تجارت آن هم دست داشت در کالیفرنیاست و وضع او هم بد نیست. احمدرضان نیز به آمریکا آمده بود، غلامرضا هم فراماسون هست و خست زیادی دارد.

پیغام از لندن

چند روز بعد از مراسم شب سلال شاه بود. اعضای خانواده و دوستان یکایک از نقاط مختلف جهان به قاهره می‌آمدند. جالب اینکه همان زمان غلامرضا پهلوی، برادر شاه از لندن پیغام داد که چون پول تهیه لپت و مخارج سفر را ندارد نمی‌تواند در شب سالمرگ برادرش شرکت کند که البته همه می‌دانستند این یک بهانه بود و نشان دیگری از خست او بود که مشهور خاص و عام بود.

پس از سقوط / احمدعلی مسعود انصاری / ص ۲۰۹

عیاش مطرد

حمیدرضا، برادر شاه از سال‌ها پیش به‌دلیل شب‌زنده‌داری‌ها و شایعه اعتیاد و رفتاری که ظاهراً خلاف شیونات خاندان سلطنت تلقی می‌شد از دربار طرد و مغضوب شده بود و از مال و منال دنیا هم چیز قابل توجیهی نداشت.

پس از سقوط / احمدعلی مسعود انصاری / ص ۱۶۳

جدایی بحرین و استیضاح هویدا

آبان سال ۱۳۳۶ بحرین که قرن‌ها تحت حاکمیت ایران بود به‌عنوان استان چهاردهم ایران معرفی شد. اما ۱۴ سال بعد این استان به دستور محمدرضا پهلوی از کشورمان جدا شد و این اقدام در سکوت رسانه‌ها صورت گرفت

۲۴



اسرار خیانت

زمین خوار قهار

محمودرضا پهلوی، ششمین فرزند رضاشاه و دومین فرزند او از عصمت‌الملوک دولتشاهی، آیین تمام‌نمای فساد بود.

محمودرضا همانند برادران و خواهرانش در امر سرمایه‌گذاری و زد و بندهای اقتصادی فعال بود. او در فعالیت‌های اقتصادی سودده مانند مقاطعه‌کاری‌های دولتی، خریدهای داخلی و خارجی، صنایع غذایی، کشاورزی و دامپروری، معادن، خدمات، مؤسسات، شرکت‌های مؤسسه‌های مالی و اعتباری، صنایع عظیم صنعتی مانند سیمان، شرکت‌های کشت و صنعت و مؤسسات، شرکت‌های ساختمان‌سازی، هتل‌داری و مؤسسه‌های بازرگانی و تجاری تا کشت خشکاشی و قاچاق موادمخدر و دریافت حق دلالی‌های کلان، دست داشت و از این راه‌ها کسب درآمد می‌کرد.

روزنامه ایران‌شهر اسامی بانک‌ها و مؤسساتی را که با محمدرضا پهلوی همکاری و شرکت داشتند یا شاهزاده پهلوی در آن شرکت‌ها دارای سهم بود به این شرح فهرست‌بندی می‌کند:

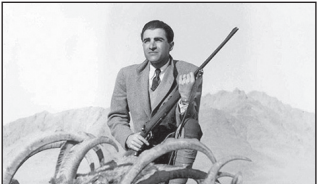
شرکت فیروزه مشهد، شرکت صنعتی شهوند، شرکت معدنی دونا، شرکت معدنی ایران و رومانی، شرکت‌های دونا سنگ و معدن نورگان، شرکت بریجستون با ۱۸۵۰ میلیون ریال سرمایه، شرکت شهاب با ۴۸۰ میلیون ریال سرمایه، شرکت ایران پولین با ۲۰۰ میلیون ریال سرمایه و شرکت اجر جنوب و شرکت ساختمانی کلید، شرکت عمران ملک‌شهر، شرکت خانه‌سازی و توسعه تهران، شرکت کشاورزی و دامپروری ایران و چندین شرکت ساختمانی و کشت و صنعت دیگر.

علاوه بر این محمدرضا پهلوی زمین‌خواری قهار بود. در گزارشی می‌خوانیم: «سازمانی با استفاده از اورا قی که نام والاحضرت شاهیور محمدرضا پهلوی روی آنها چاپ شده است، برخلاف مقررات و با تبانی با ادارات ثبت، دادگستری و شهرداری محل اقدام به تفکیک اراضی خارج از محدوده شهر اصفهان نموده است.» محمدرضا، با دوز و کلک، زمین‌های کشاورزان بیچاره را از دست آنها خارج می‌کرد و این موضوع حتی به‌سمع شاه نیز رسیده بود.

اردیبهشت ۱۳۰۲ در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی را در تهران گذراند و در سال ۱۳۱۳ برای ادامه تحصیل عازم سوئیس شد. در سال ۱۳۲۰ به همراه رضاشاه به تبعید افریقای جنوبی رفت و پس از مرگ پدر عازم آمریکا شد. وی پس از اقامت یکساله در آمریکا به ایران بازگشت و وارد دانشکده افسری شد. غلامرضا در مهر ۱۳۲۷ دانشکده نظام را به پایان برد. اهم مشاغل وی عبارت بود از: ریاست کمیته المپیک، ریاست باشگاه سوارکاران، آجودان ویژه شاه، ریاست عالی بازرسی ویژه ستاد فرماندهی عالی و عضو شورای نیابت سلطنت. فعالیت اقتصادی خاندان پهلوی حد و مرز نمی‌شناخت.

آنان در هر عرصه‌ای که اراده می‌کردند با استفاده از رانت خانوادگی حاضر بودند و در هر فعالیت اقتصادی سهمی بی‌چون و چرا برای خود قائل بودند. برای نمونه، غلامرضا پهلوی به همراه خانواده‌اش، سهامدار بسیاری از شرکت‌های اقتصادی کشور بود. اسامی عبارت بودند از: کارخانه‌های آزمایش، ۵۰ درصد سهام؛ شرکت ریسندهی و بافندگی کرج، اکثر سهام؛ شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه، منیزه پهلوی (همسر غلامرضا)، سهامدار عمده؛ شرکت تمیشان، غلامرضا، جزو سهامداران؛ شرکت اینداستریال هومز اینترنشنال، غلامرضا و منیزه، کلیه سهام؛ کشت و صنعت تمیشان، غلامرضا، ۴۰ درصد سهام؛ شرکت کشاورزی پارسی شهر، غلامرضا، کلیه سهام؛ کشت و صنعت آبی، غلامرضا سهامدار عمده؛ شرکت کشاورزی و عمرانی سبز دشت، غلامرضا سهامدار عمده؛ شرکت تولیدی سیاک، غلامرضا، سهامدار عمده؛ کلوب ورزشی دریاکنار، غلامرضا و بنیاد پهلوی کلیه سهام؛ سهامدار شرکت خدمات سرمایه‌گذاران ماورا بهار؛ سرمایه‌گذاری در بانک جیس منتهی بالغ به ۵۰۰ هزار دلار؛ شرکت سهامی خاص کالای الکترونیک، غلامرضا پهلوی ۱۲/۵ درصد سهام. (منبع: خاندان پهلوی به روایت اسناد، جلد دوم، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۲۰-۱۹). موارد فوق بخشی از ثروت و دارایی غلامرضا و خانواده‌اش بود که از طریق رانت خانوادگی به‌عنوان برادر پادشاه، کسب کرده بود.

سلطان معاملات غیرقانونی



عبدالرضا پهلوی متولد ۱۳۰۳ ه.ش و نخستین فرزند رضاخان از عصمت‌الملوک دولتشاهی است. او بعد از گذراندن دوره تعلیمات ابتدایی در ایران به مدرسه له‌روزه سوئیس رفت. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۵ وارد مدرسه نظام شد و در سال ۱۳۲۰ همراه پدرش به تبعیدی ناخواسته به افریقای جنوبی تن در داد. پس از مرگ رضاخان در سال ۱۳۲۳ برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد آمریکا رفت و فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از آن دانشگاه شد. عبدالرضا در سال ۱۳۲۶ به ایران بازگشت و بلافاصله به ریاست افتخاری برنامه‌ساز ساله دولت منصوب شد. عبدالرضا پهلوی، برادر دیگر محمدرضا، مالک زمین‌های وسیعی در مازندران و به‌ویژه در ساری بود. از املاک واگذاری نزدیک به ۳۷۰۰ هکتار در اختیار او بود که در آن گندم‌بذری می‌کاشت و به وزارت کشاورزی می‌فروخت و سود سرشاری عایدش می‌شد. علاوه بر آن، از سهامداران گروه کارخانه‌های نورد آلومینوم و شرکت ماشین‌آلات کشاورزی جان‌دیر و مالک شرکت شکار ایران بود. او نیز مانند سایر افراد خاندان پهلوی برای افزایش درآمدهای خود از انجام معاملات غیرقانونی و نیز دریافت رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای عقد قراردادهای خلاف مقررات، رویگردان نبود. از جمله موارد رشوه‌خواری عبدالرضا می‌توان به قرارداد احداث کارخانه کاغذسازی در شمال ایران توسط یک شرکت کانادایی اشاره کرد. در این معامله، عبدالرضا با استفاده از نفوذ خود از وزیر دارایی می‌خواهد که مبلغ قرارداد ساخت کارخانه از ۸۰ میلیون دلار به ۱۰۰ میلیون دلار افزایش پیدا کند. در مقابل شرکت کانادایی علاوه بر مشارکت وی در معامله، مبلغ ۱۲ میلیون دلار به حساب او واریز می‌کند. (منبع: خاندان پهلوی به روایت اسناد، جلد دوم، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، صص ۴۸۸-۴۸۷)

مالک نامشروع صنایع و معادن



محمودرضا در ۱۲ آبان ۱۳۰۵ در تهران متولد شد و تحصیلات ابتدایی و مقدمات نظام را در تهران گذراند. بسا تبعید رضاخان در شهر یور ۱۳۲۰، محمودرضا که ۱۵سال بیشتر نداشت، از ههراهان پسدر در جزیره مورس بود. او بعد از مرگ رضاخان به ایران بازگشت. در سال ۱۳۳۳ محمودرضا با مهر دخت اعظم زنگنه ازدواج کرد، اما ۳سال بعد این وصلت به جدایی انجامید. محمودرضا در سال ۱۳۴۳ با مریم اقبال، دختر منوچهر اقبال -نخست‌وزیر شاه و رئیس هیأت‌مدیره شرکت نفت - ازدواج کرد، اما این ازدواج نیز پایدار نبود و مدتی بعد مریم اقبال به عقد شهریار شفیق درآمد. محمودرضا ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ در کالیفرنیا درگذشت. وی صاحب ۴مؤسسه صنعتی و چندین معدن، یک کارخانه اجر و یک کارخانه لاستیک اتومبیل بود.

سهامدار سیری‌ناپذیر



احمدرضا دومین فرزند رضاخان از عصمت‌الملوک دولتشاهی بود. او در سال ۱۳۰۴ش به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان نظام به پایان برد. سپس وارد دبیرستان شد، اما مقارن اشغال ایران از سوی متفقین، همراه پدرش به تبعید رفت. احمدرضا در سال ۱۳۳۳ وارد مدرسه آمریکایی بیروت شد و پس از مدتی به ایران بازگشت. در سال ۱۳۳۵ با سسمین تاج‌بهرامی از دواج به‌نام اینک به زمین‌های والاحضرت محمدرضا به جاده برسد. از کشاورزان به زور گرفته و پس از مدتی همین زمین‌ها را به حسین روشنیان فروخته است. اصولاً برادران پارس‌نبار (شاهرخ و سیامک، رئیس دفتر شهناز پهلوی) تاکنون اعمال خلاف متعدد ناشایستی انجام داده و با استفاده از مقام و عناوین محمدرضا و شهناز، موجبات تراضی و تجارت شهواران و شرکت کارخانه‌های نان ماشینی اشاره کرد. (منبع: شهبلا بختاری، مفاسد خاندان پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۷۲)